

قانونی در عزلت

دکتر رضا نوربها

مقدمه اول

قانون نویسان ما پس از انقلاب با نیت تغییراتی در قوانین جزایی و تطبیق آنها با احکام شرع راه خود را شروع کردند که متأسفانه برخی در این زمینه توان آینده نگری و اشتیاق به بررسی جهات و دقت در موارد گوناگون را نداشتند هرچند نمی توان با توجه به اعتقاداتشان امید به اصلاح را در ایشان نادیده گرفت. قانونگزاری در همه عالم لباس برازنده خود را می خواهد و سیمای مصمم و دلهای پرشوری را می طلبد که دل به گذشت ایام و سپری کردن دوران در رویای شهرت و نام و واقعیت آب و نان تنها نبندند و سر در خدمت خلق قرار دهند که این منظور تنها با نیت خیر امکان ندارد که تخصص، صلاحیت، کارآیی و عشق و علاقه را نیز می خواهد. قیام و قعود بی پشتوانه آگاهی و رأی دادن بی توجه به تبعات و آثار آن مشکلات حتی کوچک را به غولهای بزرگی تبدیل می کند که نه می شود از آنها گریخت و نه می توان به بندشان کشید. تدوین قوانین و بخصوص قوانین جزایی بدلیل تبعات آن باید از چنان دقت، هوشیاری، آگاهی، ظرافت و آینده نگری برخوردار باشد که قانونگذار خود را در موقعیت برخورد با قانون قانع از غنای آن ببیند. تصویب قانون ساده است

اگر موضع قانونگذار دقیق نباشد و مشکل است اگر با نگاه همه جانبه با قانون برخورد شود. به فرض بسیار سهل است که به صرف افزایش صدور چکهای بلامحل شمشیر تشدید را از غلاف بیرون کشید و مجازات را دو یا چند برابر کرد و دل خوش به اجرای چنین کیفری داشت اما بسیار سخت است اگر قانونگذار بخواهد علت‌های صدور چک را به درستی بشناسد. جامعه را در تحولات سیاسی و اقتصادی در مواجهه با مسایل داخلی و خارجی بررسی کند، ارزشها و ضد ارزشهای پول را تحلیل نماید، گرایشها و جذابیتهای کسب درآمدهای نامشروع را در روند جامعه‌ای که ارزشهای آن در نوسانات دائم است دریابد، نفوذ رسانه‌های گروهی را در جهت دادن اندیشه‌های جامعه تعیین کند، علائق شخصی و کشش‌های غریزی را در ارتکاب جرایم از یاد نبرد و محیط و عوامل درگیر با آن را بررسی نماید و با این آگاهی‌ها به تدوین قانونی مناسب با صدور چکهای بلامحل بپردازد تا از طرفی صادرکنندگان چک را از صدور چک بلامحل در حد امکان برحذر دارد و از سوی دیگر در کنار ترمیم حقوق زیان دیدگان از جرم به جامعه مصونیت بخشد. این دقت نه تنها در زمینه تدوین قوانین آتی باید مورد توجه قرار گیرد که در بررسی قوانین گذشته و تطبیق آنها با تحولات جامعه نیز ضروری است.

مقدمه دوم

یکی از دستاوردهای دهه‌های اخیر در زمینه اصلاح و درمان مجرمین گشایش بحث «اقدامات تسامینی و تریبیتی» در قلمرو حقوق جزاست. اقداماتی که رنگ و رونق خود را با تحقیقات چند نفر از شجاعان تاریخ

حقوق جزا پیدا کرد، افرادی که سلاح قدیمی مجازات را با توجه به تغییرات عمده‌ای که در زمینه علوم بخصوص در اواخر قرن ۱۹ و شناخت انسان پیش آمد کافی برای مبارزه با بزه و بزهکاری نمی‌دانستند و یا لا اقل نسبت مناسبی بین مجازاتها و تقلیل جرایم پیدا نکرده بودند و در اعمال شدت کیفر نظر موافقی با آن نداشتند^۱ و بیشتر به تدابیر ضروری برای پیشگیری از جرم و پاسخگویی به اعمال ضداجتماعی می‌اندیشیدند.

نامهای آشنای این پهلوانان میدان تفکر را در همه کتابهای حقوقی می‌توان دید و نام مکتب آنها را که به تحقیقی مشهور و معروف شده همه حقوقدانان و جامعه‌شناسان می‌شناسند. ذهنیت بارورشان رودخانه بزرگی شد که در طول و عرض کشورها جاری گردید، تحقیقی شاید طولانی‌ترین رودخانه تاریخ حقوق بود که سرچشمه خود را از تفکر گرفت و در بستر حیات بشری روان شد. ممکن است برخی با این مطلب سر برخورد جلدی نداشته باشند و تاریخ ذهنیت بشری را عمیق‌تر در تفکر فلسفی انسان جستجو کنند و ادعای ما را بر عظمت رودخانه تحقیقی اغراق‌آمیز بشناسند اما به یک نکته باید اشاره کنم و آن اینکه اگر کسی به تمنای وصالی پا در جدالی سهمگین گذاشت و از تیغ کین نترسید و از رنج راه نهراسید، باید جایگاه او را در تاریخ بازشناخت بی‌آنکه در این جایگاه مدعی همه چیز بود که نه جایگاه بخصوص در محدوده تفکر ابدی است و نه ادعای همه چیز بودن منطقی.

۱. نگاه کنید به: رضا نوربها، تشدید مجازات در بوته تجربه‌ای تازه در: نگاهی به قانون مجازات اسلامی، مجموعه مقالات، نشر دادگستر، صفحات ۷۳ به بعد.

در این مکتب انسان محور شد و شناخت او موضوع علمی بنام «جرم‌شناسی» که انسان نه صرفاً در این علم که در کل مجموعه شناخت قرار گرفت و راهکارهای مناسب با وضعیت او در قبال شرایطی که در جامعه ایجاد کرده بررسی گردید. بین فرد و جامعه ارتباطی به وجود آمد که قبلاً بدین وضوح نه وجود داشت و نه علاقه‌ای به ایجاد آن دیده می‌شد، اگر هم چنین ارتباطی را می‌دیدیم بر مبنای تعلق فرد به جامعه و یا تشکیل جامعه از افراد در شکل آرمانی آن قرار داشت. مکتب تحقیقی آرمانگرایی را مطلقاً رها نساخت اما سعی کرد آن را به عهده فلاسفه بگذارد و خود به این دیدگاه پناه برد که فرد با جامعه در کشاکش ناشی از نیازهای گوناگون قرار دارد و لذا طبیعی است که در این کشاکش واکنش‌های فرد تغییر می‌کند و تغییر این واکنشها را نمی‌توان همیشه به یک نحو پاسخ گفت که چون کشش‌ها متغیرند پاسخها نیز متغیر خواهند بود.

سخن تحقیقی‌ها، سخن سخیفی نبود که بتوان آن را به سادگی فراموش کرد، از دو مبنای علمی و منطقی استفاده می‌برد. تجربه را نیز با خود به همراه آورد در نتیجه آن شد که در حقوق جزا جایگاهی به عنوان اقدامات تأمینی و تربیتی آشکار گردید که تقریباً همه جا با استقبال مواجه شد و گرچه مخالفان جدی نیز داشت اما چون بار علم و منطق را حمل می‌کرد چندان موفقیتی برای مخالفان در ابراز مخالفت بوجود نیامد.

مقدمه سوم

در حقوق جزای ایران و بخصوص در قوانین جزایی، اقدام تأمینی با تأخیر وارد شد حدود چهل سال پیش در ۱۲ اردیبهشت سال ۱۳۳۹ قانونی

به تصویب مجلس شورای وقت رسید که عنوان قانون اقدامات تأمینی داشت با سه فصل و بیست و یک ماده^۲، البته خواهیم دید که قبل از تصویب این قانون نقشهایی از اقدامات تأمینی را در مجموعه قوانین جزایی می‌توان دید اما در واقع گام جدی در زمینه اقدامات تأمینی را قانون ۱۳۳۹ برداشت.

کوشش من در این مقاله آن است تا ابتدا سابقه اقدامات تأمینی قبل از قانون ۱۲ اردیبهشت روشن شود و آنگاه کلیات قانون ۱۳۳۹ بررسی گردد و سپس شرایط بعد از انقلاب و اعمال این قانون مورد نظر قرار گیرد.

قسمت اول

سابقه اقدامات تأمینی قبل از قانون ۱۲ اردیبهشت سال ۱۳۳۹

اصطلاح اقدامات تأمینی حدود سی و پنج سال پس از تصویب قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴ در پایان نامه دکتر شادروان محمدعلی هدایتی در سال ۱۹۳۹ میلادی در ایران باب شد عنوان پایان‌نامه «اقدامات تأمینی و اصلاحات حقوق جزا» بود که در دانشگاه ژنو از آن دفاع شد و بعداً مورد توجه قانونگذاران ایران قرار گرفت زیرا لایحه قانونی اقدامات تأمینی با استفاده از قانون جزای ۱۹۳۷ سوئیس تهیه و در سال ۱۳۳۷ به مجلس شورای ملی وقت تقدیم که سرانجام با تغییرات جزئی در ۱۳۳۹/۲/۱۲ مورد تصویب مجلسین قرار گرفت.

۲. روزنامه رسمی، شماره ۴۵۰۲ سال ۱۳۳۹ و یا مجموعه قوانین ۱۳۳۹ صفحات ۴۱۶ تا ۴۲۳.

اما قبل از این قانون باید به سیر تاریخی مقدم بر این قانون اشاره کنم.

مشروطیت باب جدیدی در حقوق ایران گشود. با تدوین قانون اساسی در سال ۱۲۷۵ ه. ق، تدریجاً دعاوی که تا آن زمان طبق موازین شرعی و فقهی رسیدگی می‌شدند بر اصول قانونی نیز استوار گردیدند. قانون اساسی دادگاههای شرعی و عرفی را در چارچوب قانون به رسمیت شناخت و حدود و ثغور هر یک را معین کرد.

اقدامات تأمینی و تربیتی نیز همزمان با شروع حیات قانون گذاری در ایران با پوشش قانونی جلوه گر شد. موادی که در متمم قانون اساسی مزبور ذکر شده است اگرچه صراحتاً عنوان اقدامات تأمینی را ندارند اما به دلیل اینکه مصادیقی از این اقدامات را در بر می‌گیرند در خور توجه‌اند. اصول ۱۴ و ۱۶ متمم قانون اساسی مصوب ۱۲۷۶ بیان می‌کرد: «هیچ یک از ایرانیان را نمی‌توان نفی بلد یا منع از اقامت در محلی یا مجبور به اقامت در محل معینی نمود مگر در مواردی که قانون تصریح می‌کند». «ضبط املاک و اموال مردم به عنوان مجازات و سیاست ممنوع است مگر به حکم قانون». ممنوعیت از اقامت در محل معین یا اجبار به اقامت در محل معین و نیز ضبط اموال، صرفنظر از اینکه می‌توانند در قالب کیفر نیز اعمال شوند، مصادیقی از تدابیر تأمینی محدود کننده آزادی و مالی نیز می‌باشند که در آتیه نیز مطرح می‌گردند.

در سال ۱۳۰۰ و به هنگام نخست وزیری سید ضیاءالدین طباطبایی مصوبه قابل توجهی درباره اعتیاد به مواد مخدر تدوین و انتشار یافت که چنین مقرر می‌داشت^۳:

« نظر به اینکه از قرار معلوم در طبقات مستخدم و کشوری و لشکری، عده زیادی معتاد به استعمال تریاک می‌باشند، که وجود آنها علاوه بر اینکه به درد خدمت دولت نمی‌خورد، تأثیرات سوء و تصرفات مضری در احوال و اخلاق و روحیه سایرین خواهد کرد. نظر به اینکه استعمال تریاک به خصوص در طبقات نظامی روح شهامت و عسرق حمیت را زبون و فانی و این عادت پلید آتیه مملکت را تهدید می‌کند، بالضروره مقرر می‌دارد که از این تاریخ استعمال تریاک برای مستخدمین لشکری و کشوری از هر درجه‌ای که باشند قویاً و اکیداً ممنوع و هرکس از این ببعده در مسلک نظام و در ادارات دولتی مرتکب گردد، به موجب این حکم از خدمت دولت منفصل خواهد بود، و اجرای این حکم را علی‌الفور در تمام تشکیلات نظامی مرکز ولایات، و همچنین در ادارات و دوایر آن وزارتخانه خواستارم.»

مصوبه فوق بیانگر حساسیت موضوع و تأثیر نامطلوب اعتیاد در سطوح مختلف جامعه بویژه دستگاههای اداری و حکومتی کشور بوده است که می‌توان آن را یکی از اشکالات اقدامات تأمینی و تربیتی دانست. در سال ۱۳۰۴ اقدامات تأمینی و مصادیقی از آن در کنسار مجازات مطرح شد. مواردی نظیر: استرداد، ضبط و معدوم شدن اشیائی که دلیل جرم

۳. دانش، تاج زمان. مجرم کیست و جرم شناسی چیست. ص ۲۱۲.

است یا بواسطه آن به دست آمده است یا به کار گرفته شده است، محرومیت از حقوق اجتماعی (بعضاً یا تمام)، عواقب این محرومیت، اقامت اجباری در نقطه یا نقاط معین، ممنوعیت از اقامت در محل معین، جرائم اطفال و حسب مورد تسلیم آنها به والدین خود یا اعزام به دارالتأدیب،^۴ اعزام متهمان مجنون به دارالمجانین، مجازات معتادین به مواد مخدر و معدوم یا ضبط کردن اشیاء و ادوات مربوطه قابل ذکر است.^۵

هرچند مواد مذکور در قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴ در چهارچوب کیفر لحاظ شده است اما در واقع این موارد از مصادیق اقدامات تأمینی و تربیتی می‌باشند و نیز توجه مقنن به صغر بزهکار و تأدیب این دسته از مجرمین، و نیز اعزام آنها به دارالتأدیب (که بعدها قانون اصلاح و تربیت جای آن را گرفت)، توجه به حالت جنون در افراد و اعزام دیوانگان بزهکار به مراکز خاص و ... و گام‌های مؤثری در روند ایجاد اقدامات تأمینی و تربیتی محسوب می‌شدند.

بدلیل حساس بودن موقعیت اطفال بزهکار در سال ۱۳۲۲ آئین‌نامه خاصی برای^۶ «بازداشتگاه صغار در زندان موقت تهران» در ۹ ماده تهیه و تدوین شد. براساس این آئین‌نامه «بازداشتگاه اطفال کمتر از ۱۸ سال تمام از بزرگسالان مجزا شده و برای اطفال سوادآموزی، وعظ و خطابه در نظر

۴. در ماده ۲۲ نظامنامه مجالس مصوب ۱۳۰۷ دارالتأدیب تعریف شده: مظنونین یا محکومین که سن آنها بیش از پانزده سال تمام بوده ولی به سن هیجده سال تمام نرسیده باشند در دارالتأدیب توقیف یا حبس خواهند شد، نک. غفوری غروی، سید حسن - انگیزه شناسی جنایی ص ۲۷۸.

۵. مواد ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۳۵، ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۴۲، ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۴۷، ۱۴۸، ۱۴۹، ۱۵۰، ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۵۳، ۱۵۴، ۱۵۵، ۱۵۶، ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۵۹، ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۶۴، ۱۶۵، ۱۶۶، ۱۶۷، ۱۶۸، ۱۶۹، ۱۷۰، ۱۷۱، ۱۷۲، ۱۷۳، ۱۷۴، ۱۷۵، ۱۷۶، ۱۷۷، ۱۷۸، ۱۷۹، ۱۸۰، ۱۸۱، ۱۸۲، ۱۸۳، ۱۸۴، ۱۸۵، ۱۸۶، ۱۸۷، ۱۸۸، ۱۸۹، ۱۹۰، ۱۹۱، ۱۹۲، ۱۹۳، ۱۹۴، ۱۹۵، ۱۹۶، ۱۹۷، ۱۹۸، ۱۹۹، ۲۰۰، ۲۰۱، ۲۰۲، ۲۰۳، ۲۰۴، ۲۰۵، ۲۰۶، ۲۰۷، ۲۰۸، ۲۰۹، ۲۱۰، ۲۱۱، ۲۱۲، ۲۱۳، ۲۱۴، ۲۱۵، ۲۱۶، ۲۱۷، ۲۱۸، ۲۱۹، ۲۲۰، ۲۲۱، ۲۲۲، ۲۲۳، ۲۲۴، ۲۲۵، ۲۲۶، ۲۲۷، ۲۲۸، ۲۲۹، ۲۳۰، ۲۳۱، ۲۳۲، ۲۳۳، ۲۳۴، ۲۳۵، ۲۳۶، ۲۳۷، ۲۳۸، ۲۳۹، ۲۴۰، ۲۴۱، ۲۴۲، ۲۴۳، ۲۴۴، ۲۴۵، ۲۴۶، ۲۴۷، ۲۴۸، ۲۴۹، ۲۵۰، ۲۵۱، ۲۵۲، ۲۵۳، ۲۵۴، ۲۵۵، ۲۵۶، ۲۵۷، ۲۵۸، ۲۵۹، ۲۶۰، ۲۶۱، ۲۶۲، ۲۶۳، ۲۶۴، ۲۶۵، ۲۶۶، ۲۶۷، ۲۶۸، ۲۶۹، ۲۷۰، ۲۷۱، ۲۷۲، ۲۷۳، ۲۷۴، ۲۷۵، ۲۷۶، ۲۷۷، ۲۷۸، ۲۷۹، ۲۸۰، ۲۸۱، ۲۸۲، ۲۸۳، ۲۸۴، ۲۸۵، ۲۸۶، ۲۸۷، ۲۸۸، ۲۸۹، ۲۹۰، ۲۹۱، ۲۹۲، ۲۹۳، ۲۹۴، ۲۹۵، ۲۹۶، ۲۹۷، ۲۹۸، ۲۹۹، ۳۰۰، ۳۰۱، ۳۰۲، ۳۰۳، ۳۰۴، ۳۰۵، ۳۰۶، ۳۰۷، ۳۰۸، ۳۰۹، ۳۱۰، ۳۱۱، ۳۱۲، ۳۱۳، ۳۱۴، ۳۱۵، ۳۱۶، ۳۱۷، ۳۱۸، ۳۱۹، ۳۲۰، ۳۲۱، ۳۲۲، ۳۲۳، ۳۲۴، ۳۲۵، ۳۲۶، ۳۲۷، ۳۲۸، ۳۲۹، ۳۳۰، ۳۳۱، ۳۳۲، ۳۳۳، ۳۳۴، ۳۳۵، ۳۳۶، ۳۳۷، ۳۳۸، ۳۳۹، ۳۴۰، ۳۴۱، ۳۴۲، ۳۴۳، ۳۴۴، ۳۴۵، ۳۴۶، ۳۴۷، ۳۴۸، ۳۴۹، ۳۵۰، ۳۵۱، ۳۵۲، ۳۵۳، ۳۵۴، ۳۵۵، ۳۵۶، ۳۵۷، ۳۵۸، ۳۵۹، ۳۶۰، ۳۶۱، ۳۶۲، ۳۶۳، ۳۶۴، ۳۶۵، ۳۶۶، ۳۶۷، ۳۶۸، ۳۶۹، ۳۷۰، ۳۷۱، ۳۷۲، ۳۷۳، ۳۷۴، ۳۷۵، ۳۷۶، ۳۷۷، ۳۷۸، ۳۷۹، ۳۸۰، ۳۸۱، ۳۸۲، ۳۸۳، ۳۸۴، ۳۸۵، ۳۸۶، ۳۸۷، ۳۸۸، ۳۸۹، ۳۹۰، ۳۹۱، ۳۹۲، ۳۹۳، ۳۹۴، ۳۹۵، ۳۹۶، ۳۹۷، ۳۹۸، ۳۹۹، ۴۰۰، ۴۰۱، ۴۰۲، ۴۰۳، ۴۰۴، ۴۰۵، ۴۰۶، ۴۰۷، ۴۰۸، ۴۰۹، ۴۱۰، ۴۱۱، ۴۱۲، ۴۱۳، ۴۱۴، ۴۱۵، ۴۱۶، ۴۱۷، ۴۱۸، ۴۱۹، ۴۲۰، ۴۲۱، ۴۲۲، ۴۲۳، ۴۲۴، ۴۲۵، ۴۲۶، ۴۲۷، ۴۲۸، ۴۲۹، ۴۳۰، ۴۳۱، ۴۳۲، ۴۳۳، ۴۳۴، ۴۳۵، ۴۳۶، ۴۳۷، ۴۳۸، ۴۳۹، ۴۴۰، ۴۴۱، ۴۴۲، ۴۴۳، ۴۴۴، ۴۴۵، ۴۴۶، ۴۴۷، ۴۴۸، ۴۴۹، ۴۵۰، ۴۵۱، ۴۵۲، ۴۵۳، ۴۵۴، ۴۵۵، ۴۵۶، ۴۵۷، ۴۵۸، ۴۵۹، ۴۶۰، ۴۶۱، ۴۶۲، ۴۶۳، ۴۶۴، ۴۶۵، ۴۶۶، ۴۶۷، ۴۶۸، ۴۶۹، ۴۷۰، ۴۷۱، ۴۷۲، ۴۷۳، ۴۷۴، ۴۷۵، ۴۷۶، ۴۷۷، ۴۷۸، ۴۷۹، ۴۸۰، ۴۸۱، ۴۸۲، ۴۸۳، ۴۸۴، ۴۸۵، ۴۸۶، ۴۸۷، ۴۸۸، ۴۸۹، ۴۹۰، ۴۹۱، ۴۹۲، ۴۹۳، ۴۹۴، ۴۹۵، ۴۹۶، ۴۹۷، ۴۹۸، ۴۹۹، ۵۰۰، ۵۰۱، ۵۰۲، ۵۰۳، ۵۰۴، ۵۰۵، ۵۰۶، ۵۰۷، ۵۰۸، ۵۰۹، ۵۱۰، ۵۱۱، ۵۱۲، ۵۱۳، ۵۱۴، ۵۱۵، ۵۱۶، ۵۱۷، ۵۱۸، ۵۱۹، ۵۲۰، ۵۲۱، ۵۲۲، ۵۲۳، ۵۲۴، ۵۲۵، ۵۲۶، ۵۲۷، ۵۲۸، ۵۲۹، ۵۳۰، ۵۳۱، ۵۳۲، ۵۳۳، ۵۳۴، ۵۳۵، ۵۳۶، ۵۳۷، ۵۳۸، ۵۳۹، ۵۴۰، ۵۴۱، ۵۴۲، ۵۴۳، ۵۴۴، ۵۴۵، ۵۴۶، ۵۴۷، ۵۴۸، ۵۴۹، ۵۵۰، ۵۵۱، ۵۵۲، ۵۵۳، ۵۵۴، ۵۵۵، ۵۵۶، ۵۵۷، ۵۵۸، ۵۵۹، ۵۶۰، ۵۶۱، ۵۶۲، ۵۶۳، ۵۶۴، ۵۶۵، ۵۶۶، ۵۶۷، ۵۶۸، ۵۶۹، ۵۷۰، ۵۷۱، ۵۷۲، ۵۷۳، ۵۷۴، ۵۷۵، ۵۷۶، ۵۷۷، ۵۷۸، ۵۷۹، ۵۸۰، ۵۸۱، ۵۸۲، ۵۸۳، ۵۸۴، ۵۸۵، ۵۸۶، ۵۸۷، ۵۸۸، ۵۸۹، ۵۹۰، ۵۹۱، ۵۹۲، ۵۹۳، ۵۹۴، ۵۹۵، ۵۹۶، ۵۹۷، ۵۹۸، ۵۹۹، ۶۰۰، ۶۰۱، ۶۰۲، ۶۰۳، ۶۰۴، ۶۰۵، ۶۰۶، ۶۰۷، ۶۰۸، ۶۰۹، ۶۱۰، ۶۱۱، ۶۱۲، ۶۱۳، ۶۱۴، ۶۱۵، ۶۱۶، ۶۱۷، ۶۱۸، ۶۱۹، ۶۲۰، ۶۲۱، ۶۲۲، ۶۲۳، ۶۲۴، ۶۲۵، ۶۲۶، ۶۲۷، ۶۲۸، ۶۲۹، ۶۳۰، ۶۳۱، ۶۳۲، ۶۳۳، ۶۳۴، ۶۳۵، ۶۳۶، ۶۳۷، ۶۳۸، ۶۳۹، ۶۴۰، ۶۴۱، ۶۴۲، ۶۴۳، ۶۴۴، ۶۴۵، ۶۴۶، ۶۴۷، ۶۴۸، ۶۴۹، ۶۵۰، ۶۵۱، ۶۵۲، ۶۵۳، ۶۵۴، ۶۵۵، ۶۵۶، ۶۵۷، ۶۵۸، ۶۵۹، ۶۶۰، ۶۶۱، ۶۶۲، ۶۶۳، ۶۶۴، ۶۶۵، ۶۶۶، ۶۶۷، ۶۶۸، ۶۶۹، ۶۷۰، ۶۷۱، ۶۷۲، ۶۷۳، ۶۷۴، ۶۷۵، ۶۷۶، ۶۷۷، ۶۷۸، ۶۷۹، ۶۸۰، ۶۸۱، ۶۸۲، ۶۸۳، ۶۸۴، ۶۸۵، ۶۸۶، ۶۸۷، ۶۸۸، ۶۸۹، ۶۹۰، ۶۹۱، ۶۹۲، ۶۹۳، ۶۹۴، ۶۹۵، ۶۹۶، ۶۹۷، ۶۹۸، ۶۹۹، ۷۰۰، ۷۰۱، ۷۰۲، ۷۰۳، ۷۰۴، ۷۰۵، ۷۰۶، ۷۰۷، ۷۰۸، ۷۰۹، ۷۱۰، ۷۱۱، ۷۱۲، ۷۱۳، ۷۱۴، ۷۱۵، ۷۱۶، ۷۱۷، ۷۱۸، ۷۱۹، ۷۲۰، ۷۲۱، ۷۲۲، ۷۲۳، ۷۲۴، ۷۲۵، ۷۲۶، ۷۲۷، ۷۲۸، ۷۲۹، ۷۳۰، ۷۳۱، ۷۳۲، ۷۳۳، ۷۳۴، ۷۳۵، ۷۳۶، ۷۳۷، ۷۳۸، ۷۳۹، ۷۴۰، ۷۴۱، ۷۴۲، ۷۴۳، ۷۴۴، ۷۴۵، ۷۴۶، ۷۴۷، ۷۴۸، ۷۴۹، ۷۵۰، ۷۵۱، ۷۵۲، ۷۵۳، ۷۵۴، ۷۵۵، ۷۵۶، ۷۵۷، ۷۵۸، ۷۵۹، ۷۶۰، ۷۶۱، ۷۶۲، ۷۶۳، ۷۶۴، ۷۶۵، ۷۶۶، ۷۶۷، ۷۶۸، ۷۶۹، ۷۷۰، ۷۷۱، ۷۷۲، ۷۷۳، ۷۷۴، ۷۷۵، ۷۷۶، ۷۷۷، ۷۷۸، ۷۷۹، ۷۸۰، ۷۸۱، ۷۸۲، ۷۸۳، ۷۸۴، ۷۸۵، ۷۸۶، ۷۸۷، ۷۸۸، ۷۸۹، ۷۹۰، ۷۹۱، ۷۹۲، ۷۹۳، ۷۹۴، ۷۹۵، ۷۹۶، ۷۹۷، ۷۹۸، ۷۹۹، ۸۰۰، ۸۰۱، ۸۰۲، ۸۰۳، ۸۰۴، ۸۰۵، ۸۰۶، ۸۰۷، ۸۰۸، ۸۰۹، ۸۱۰، ۸۱۱، ۸۱۲، ۸۱۳، ۸۱۴، ۸۱۵، ۸۱۶، ۸۱۷، ۸۱۸، ۸۱۹، ۸۲۰، ۸۲۱، ۸۲۲، ۸۲۳، ۸۲۴، ۸۲۵، ۸۲۶، ۸۲۷، ۸۲۸، ۸۲۹، ۸۳۰، ۸۳۱، ۸۳۲، ۸۳۳، ۸۳۴، ۸۳۵، ۸۳۶، ۸۳۷، ۸۳۸، ۸۳۹، ۸۴۰، ۸۴۱، ۸۴۲، ۸۴۳، ۸۴۴، ۸۴۵، ۸۴۶، ۸۴۷، ۸۴۸، ۸۴۹، ۸۵۰، ۸۵۱، ۸۵۲، ۸۵۳، ۸۵۴، ۸۵۵، ۸۵۶، ۸۵۷، ۸۵۸، ۸۵۹، ۸۶۰، ۸۶۱، ۸۶۲، ۸۶۳، ۸۶۴، ۸۶۵، ۸۶۶، ۸۶۷، ۸۶۸، ۸۶۹، ۸۷۰، ۸۷۱، ۸۷۲، ۸۷۳، ۸۷۴، ۸۷۵، ۸۷۶، ۸۷۷، ۸۷۸، ۸۷۹، ۸۸۰، ۸۸۱، ۸۸۲، ۸۸۳، ۸۸۴، ۸۸۵، ۸۸۶، ۸۸۷، ۸۸۸، ۸۸۹، ۸۹۰، ۸۹۱، ۸۹۲، ۸۹۳، ۸۹۴، ۸۹۵، ۸۹۶، ۸۹۷، ۸۹۸، ۸۹۹، ۹۰۰، ۹۰۱، ۹۰۲، ۹۰۳، ۹۰۴، ۹۰۵، ۹۰۶، ۹۰۷، ۹۰۸، ۹۰۹، ۹۱۰، ۹۱۱، ۹۱۲، ۹۱۳، ۹۱۴، ۹۱۵، ۹۱۶، ۹۱۷، ۹۱۸، ۹۱۹، ۹۲۰، ۹۲۱، ۹۲۲، ۹۲۳، ۹۲۴، ۹۲۵، ۹۲۶، ۹۲۷، ۹۲۸، ۹۲۹، ۹۳۰، ۹۳۱، ۹۳۲، ۹۳۳، ۹۳۴، ۹۳۵، ۹۳۶، ۹۳۷، ۹۳۸، ۹۳۹، ۹۴۰، ۹۴۱، ۹۴۲، ۹۴۳، ۹۴۴، ۹۴۵، ۹۴۶، ۹۴۷، ۹۴۸، ۹۴۹، ۹۵۰، ۹۵۱، ۹۵۲، ۹۵۳، ۹۵۴، ۹۵۵، ۹۵۶، ۹۵۷، ۹۵۸، ۹۵۹، ۹۶۰، ۹۶۱، ۹۶۲، ۹۶۳، ۹۶۴، ۹۶۵، ۹۶۶، ۹۶۷، ۹۶۸، ۹۶۹، ۹۷۰، ۹۷۱، ۹۷۲، ۹۷۳، ۹۷۴، ۹۷۵، ۹۷۶، ۹۷۷، ۹۷۸، ۹۷۹، ۹۸۰، ۹۸۱، ۹۸۲، ۹۸۳، ۹۸۴، ۹۸۵، ۹۸۶، ۹۸۷، ۹۸۸، ۹۸۹، ۹۹۰، ۹۹۱، ۹۹۲، ۹۹۳، ۹۹۴، ۹۹۵، ۹۹۶، ۹۹۷، ۹۹۸، ۹۹۹، ۱۰۰۰، ۱۰۰۱، ۱۰۰۲، ۱۰۰۳، ۱۰۰۴، ۱۰۰۵، ۱۰۰۶، ۱۰۰۷، ۱۰۰۸، ۱۰۰۹، ۱۰۱۰، ۱۰۱۱، ۱۰۱۲، ۱۰۱۳، ۱۰۱۴، ۱۰۱۵، ۱۰۱۶، ۱۰۱۷، ۱۰۱۸، ۱۰۱۹، ۱۰۲۰، ۱۰۲۱، ۱۰۲۲، ۱۰۲۳، ۱۰۲۴، ۱۰۲۵، ۱۰۲۶، ۱۰۲۷، ۱۰۲۸، ۱۰۲۹، ۱۰۳۰، ۱۰۳۱، ۱۰۳۲، ۱۰۳۳، ۱۰۳۴، ۱۰۳۵، ۱۰۳۶، ۱۰۳۷، ۱۰۳۸، ۱۰۳۹، ۱۰۴۰، ۱۰۴۱، ۱۰۴۲، ۱۰۴۳، ۱۰۴۴، ۱۰۴۵، ۱۰۴۶، ۱۰۴۷، ۱۰۴۸، ۱۰۴۹، ۱۰۵۰، ۱۰۵۱، ۱۰۵۲، ۱۰۵۳، ۱۰۵۴، ۱۰۵۵، ۱۰۵۶، ۱۰۵۷، ۱۰۵۸، ۱۰۵۹، ۱۰۶۰، ۱۰۶۱، ۱۰۶۲، ۱۰۶۳، ۱۰۶۴، ۱۰۶۵، ۱۰۶۶، ۱۰۶۷، ۱۰۶۸، ۱۰۶۹، ۱۰۷۰، ۱۰۷۱، ۱۰۷۲، ۱۰۷۳، ۱۰۷۴، ۱۰۷۵، ۱۰۷۶، ۱۰۷۷، ۱۰۷۸، ۱۰۷۹، ۱۰۸۰، ۱۰۸۱، ۱۰۸۲، ۱۰۸۳، ۱۰۸۴، ۱۰۸۵، ۱۰۸۶، ۱۰۸۷، ۱۰۸۸، ۱۰۸۹، ۱۰۹۰، ۱۰۹۱، ۱۰۹۲، ۱۰۹۳، ۱۰۹۴، ۱۰۹۵، ۱۰۹۶، ۱۰۹۷، ۱۰۹۸، ۱۰۹۹، ۱۱۰۰، ۱۱۰۱، ۱۱۰۲، ۱۱۰۳، ۱۱۰۴، ۱۱۰۵، ۱۱۰۶، ۱۱۰۷، ۱۱۰۸، ۱۱۰۹، ۱۱۱۰، ۱۱۱۱، ۱۱۱۲، ۱۱۱۳، ۱۱۱۴، ۱۱۱۵، ۱۱۱۶، ۱۱۱۷، ۱۱۱۸، ۱۱۱۹، ۱۱۲۰، ۱۱۲۱، ۱۱۲۲، ۱۱۲۳، ۱۱۲۴، ۱۱۲۵، ۱۱۲۶، ۱۱۲۷، ۱۱۲۸، ۱۱۲۹، ۱۱۳۰، ۱۱۳۱، ۱۱۳۲، ۱۱۳۳، ۱۱۳۴، ۱۱۳۵، ۱۱۳۶، ۱۱۳۷، ۱۱۳۸، ۱۱۳۹، ۱۱۴۰، ۱۱۴۱، ۱۱۴۲، ۱۱۴۳، ۱۱۴۴، ۱۱۴۵، ۱۱۴۶، ۱۱۴۷، ۱۱۴۸، ۱۱۴۹، ۱۱۵۰، ۱۱۵۱، ۱۱۵۲، ۱۱۵۳، ۱۱۵۴، ۱۱۵۵، ۱۱۵۶، ۱۱۵۷، ۱۱۵۸، ۱۱۵۹، ۱۱۶۰، ۱۱۶۱، ۱۱۶۲، ۱۱۶۳، ۱۱۶۴، ۱۱۶۵، ۱۱۶۶، ۱۱۶۷، ۱۱۶۸، ۱۱۶۹، ۱۱۷۰، ۱۱۷۱، ۱۱۷۲، ۱۱۷۳، ۱۱۷۴، ۱۱۷۵، ۱۱۷۶، ۱۱۷۷، ۱۱۷۸، ۱۱۷۹، ۱۱۸۰، ۱۱۸۱، ۱۱۸۲، ۱۱۸۳، ۱۱۸۴، ۱۱۸۵، ۱۱۸۶، ۱۱۸۷، ۱۱۸۸، ۱۱۸۹، ۱۱۹۰، ۱۱۹۱، ۱۱۹۲، ۱۱۹۳، ۱۱۹۴، ۱۱۹۵، ۱۱۹۶، ۱۱۹۷، ۱۱۹۸، ۱۱۹۹، ۱۲۰۰، ۱۲۰۱، ۱۲۰۲، ۱۲۰۳، ۱۲۰۴، ۱۲۰۵، ۱۲۰۶، ۱۲۰۷، ۱۲۰۸، ۱۲۰۹، ۱۲۱۰، ۱۲۱۱، ۱۲۱۲، ۱۲۱۳، ۱۲۱۴، ۱۲۱۵، ۱۲۱۶، ۱۲۱۷، ۱۲۱۸، ۱۲۱۹، ۱۲۲۰، ۱۲۲۱، ۱۲۲۲، ۱۲۲۳، ۱۲۲۴، ۱۲۲۵، ۱۲۲۶، ۱۲۲۷، ۱۲۲۸، ۱۲۲۹، ۱۲۳۰، ۱۲۳۱، ۱۲۳۲، ۱۲۳۳، ۱۲۳۴، ۱۲۳۵، ۱۲۳۶، ۱۲۳۷، ۱۲۳۸، ۱۲۳۹، ۱۲۴۰، ۱۲۴۱، ۱۲۴۲، ۱۲۴۳، ۱۲۴۴، ۱۲۴۵، ۱۲۴۶، ۱۲۴۷، ۱۲۴۸، ۱۲۴۹، ۱۲۵۰، ۱۲۵۱، ۱۲۵۲، ۱۲۵۳، ۱۲۵۴، ۱۲۵۵، ۱۲۵۶، ۱۲۵۷، ۱۲۵۸، ۱۲۵۹، ۱۲۶۰، ۱۲۶۱، ۱۲۶۲، ۱۲۶۳، ۱۲۶۴، ۱۲۶۵، ۱۲۶۶، ۱۲۶۷، ۱۲۶۸، ۱۲۶۹، ۱۲۷۰، ۱۲۷۱، ۱۲۷۲، ۱۲۷۳، ۱۲۷۴، ۱۲۷۵، ۱۲۷۶، ۱۲۷۷، ۱۲۷۸، ۱۲۷۹، ۱۲۸۰، ۱۲۸۱، ۱۲۸۲، ۱۲۸۳، ۱۲۸۴، ۱۲۸۵، ۱۲۸۶، ۱۲۸۷، ۱۲۸۸، ۱۲۸۹، ۱۲۹۰، ۱۲۹۱، ۱۲۹۲، ۱۲۹۳، ۱۲۹۴، ۱۲۹۵، ۱۲۹۶، ۱۲۹۷، ۱۲۹۸، ۱۲۹۹، ۱۳۰۰، ۱۳۰۱، ۱۳۰۲، ۱۳۰۳، ۱۳۰۴، ۱۳۰۵، ۱۳۰۶، ۱۳۰۷، ۱۳۰۸، ۱۳۰۹، ۱۳۱۰، ۱۳۱۱، ۱۳۱۲، ۱۳۱۳، ۱۳۱۴، ۱۳۱۵، ۱۳۱۶، ۱۳۱۷، ۱۳۱۸، ۱۳۱۹، ۱۳۲۰، ۱۳۲۱، ۱۳۲۲، ۱۳۲۳، ۱۳۲۴، ۱۳۲۵، ۱۳۲۶، ۱۳۲۷، ۱۳۲۸، ۱۳۲۹، ۱۳۳۰، ۱۳۳۱، ۱۳۳۲، ۱۳۳۳، ۱۳۳۴، ۱۳۳۵، ۱۳۳۶، ۱۳۳۷، ۱۳۳۸، ۱۳۳۹، ۱۳۴۰، ۱۳۴۱، ۱۳۴۲، ۱۳۴۳، ۱۳۴۴، ۱۳۴۵، ۱۳۴۶، ۱۳۴۷، ۱۳۴۸، ۱۳۴۹، ۱۳۵۰، ۱۳۵۱، ۱۳۵۲، ۱۳۵۳، ۱۳۵۴، ۱۳۵۵، ۱۳۵۶، ۱۳۵۷، ۱۳۵۸، ۱۳۵۹، ۱۳۶۰، ۱۳۶۱، ۱۳۶۲، ۱۳۶۳، ۱۳۶۴، ۱۳۶۵، ۱۳۶۶، ۱۳۶۷، ۱۳۶۸، ۱۳۶۹، ۱۳۷۰، ۱۳۷۱، ۱۳۷۲، ۱۳۷۳، ۱۳۷۴، ۱۳۷۵، ۱۳۷۶، ۱۳۷۷، ۱۳۷۸، ۱۳۷۹، ۱۳۸۰، ۱۳۸۱، ۱۳۸۲، ۱۳۸۳، ۱۳۸۴، ۱۳۸۵، ۱۳۸۶، ۱۳۸۷، ۱۳۸۸، ۱۳۸۹، ۱۳۹۰، ۱۳۹۱، ۱۳۹۲، ۱۳۹۳، ۱۳۹۴، ۱۳۹۵، ۱۳۹۶، ۱۳۹۷، ۱۳۹۸، ۱۳۹۹، ۱۴۰۰، ۱۴۰۱، ۱۴۰۲، ۱۴۰۳، ۱۴۰۴، ۱۴۰۵، ۱۴۰۶، ۱۴۰۷، ۱۴۰۸، ۱۴۰۹، ۱۴۱۰، ۱۴۱۱، ۱۴۱۲، ۱۴۱۳، ۱۴۱۴، ۱۴۱۵، ۱۴۱۶، ۱۴۱۷، ۱۴۱۸، ۱۴۱۹، ۱۴۲۰، ۱۴۲۱، ۱۴۲۲، ۱۴۲۳، ۱۴۲۴، ۱۴۲۵، ۱۴۲۶، ۱۴۲۷، ۱۴۲۸، ۱۴۲۹، ۱۴۳۰، ۱۴۳۱، ۱۴۳۲، ۱۴۳۳، ۱۴۳۴، ۱۴۳۵، ۱۴۳۶، ۱۴۳۷، ۱۴۳۸، ۱۴۳۹، ۱۴۴۰، ۱۴۴۱، ۱۴۴۲، ۱۴۴۳، ۱۴۴۴، ۱۴۴۵، ۱۴۴۶، ۱۴۴۷، ۱۴۴۸، ۱۴۴۹، ۱۴۵۰، ۱۴

گرفته شد. همچنین مقرر گردید در صورتی که این بزهکاران خردسال به سن ۱۸ سال تمام برسند باید به زندان مجرمین بالغ منتقل شوند.^۷ اگرچه به سبب برخورد ضعیف مقنن با این موضوع و فقدان امکانات لازم مسأله پیشگیری از ارتکاب جرم و یا تکرار آن از سوی اطفال بزهکار با موفقیت چشمگیری همراه نبود. در سال ۱۳۳۴ کشت خشخاش و استعمال آن طبق قانون ممنوع شد. این قانون در سال ۱۳۳۸ اصلاح و در سال ۱۳۴۷ قانون کشت محدود خشخاش و صدور تریاک تصویب گردید که بعد از انقلاب اسلامی بکلی دگرگون شد. اما به سبب عدم برخورد قاطع مسئولین امر، اقدام انجام شده در راه پیشگیری از اعتیاد مردم اعم از اطفال و نوجوانان، جوانان و بزرگسالان (مذکر و مؤنث) توفیق چندانی نیافت و این آفت به حیات خود ادامه داد.

در سال ۱۳۳۸ قانون تشکیل دادگاه اطفال بزهکار به قصد تربیت و حمایت از صغار به تصویب رسید.^۷ طبق این قانون که دارای ۳۳ ماده می‌باشد بزهکاران خردسال که تا آن زمان در همان دادگاهی که به جرائم مجرمین بالغ رسیدگی می‌کرد مورد محاکمه قرار می‌گرفتند، خود دارای محکمه‌ای خاص شدند.

متأسفانه قانون ذکر شده تا سال ۱۳۴۵ به مرحله اجرا در نیامد. و در این فاصله (۱۳۳۸-۱۳۴۵) اقداماتی نظیر فراخواندن دو تن از متخصصین (جرم شناس) عضو سازمان ملل، آقایان «ادوارد گالوی» در سال ۱۳۴۰ و

۷. لایحه قانون مزبور توسط مرحوم مجلسی در زمان تصدی کفالت وزارت دادگستری به مجلس تقدیم و با اصلاحاتی به تصویب رسید.

پرفسور «لوپزری» در سال ۱۳۴۳ صورت پذیرفت. آقای «گالوی» که رئیس قسمت دفاع اجتماعی سازمان ملل متحد بود پس از بررسیهای انجام شده اعلام داشت که بزهکاری اطفال در ایران (آن روز) توسعه یافته نیست. وی همچنین تلاش در امر تربیت اطفال و نوجوانانی که مرتکب جرم شده و جلوگیری از تکرار جرم آنها و از بین بردن زمینه‌های ارتکاب جرم جوانان از طریق تهیه طرحهای لازم و تعیین قضات دادگاههای اطفال و نیز تجدید نظر آتی در قانون تشکیل دادگاه اطفال و ... را مورد سفارش و توصیه قرار داد. پس از اینکه توصیه‌های «گالوی» در مطبوعات انتشار یافت و افکار عمومی را به خود جلب کرد شورائی به نام «شورای امور اطفال بزهکار» مرکب از عده‌ای از قضات و معاونین دادگستری مرکز تشکیل و دفتری برای انجام امور اجرائی مربوط به اجرای قانون مزبور به نام «دفتر امور دادگاههای اطفال» تشکیل شد. سرانجام در روز سه شنبه مورخ ۱۳۴۵/۸/۲۶ نخستین دادگاه اطفال در تهران تأسیس شد و شعبه دیگری نیز بعداً اضافه شد و تا سال ۱۳۵۶ این دو شعبه در تهران به فعالیت خود ادامه دادند و بعد از آن شعبه دیگری نیز تشکیل شد.^۸

در سال ۱۳۳۹ قانون اقدامات تأمینی متعاقب قانون تشکیل دادگاههای اطفال تصویب شد که این اقدامات طی بیست و یک ماده مطرح و مورد ارزیابی قرار گرفته‌است. این امر نخستین اقدام قانونی صریح

۸. همان منبع ص ۲۸۱ به بعد.

و نسبتاً جامع درباره اقدامات تأمینی و تربیتی در حقوق ایران به
شمارمی‌رود.^۹

قسمت دوم

کلیات قانون اقدامات تأمینی مصوب ۱۲ اردیبهشت ماده ۱۳۳۹

سال ۱۳۳۹ منطبق است با دهه های ۶۰ و ۷۰ در اروپا و رونق
مکاتب نوگرایی تحقیقی و دفاع اجتماعی و عقب نشینی تدریجی مکاتب
کلاسیک. البته شروع این نوگرایی را باید قبل از این ایام و در اواخر قرن
نوزدهم و شروع قرن بیستم دید.^{۱۰} مکتب تحقیقی با دیدگاههای سه تفنگدار
معروف آن^{۱۱} انسان مجرم را زائیده علت‌های مختلفی می‌داند که از نظر
روانی، جسمی و اجتماعی او را در بر گرفته‌اند و به شخصیت بزهکار بعنوان
محور مطالعات در سیر بزهکاری توجه خاص داشت. «گاروفالو» یکی از
بنیانگذاران این مکتب بحث حالت خطرناک را به میان کشید.^{۱۲} و دکتر

۹. در سال ۱۳۴۷ اولین قانون اصلاح و تربیت تأسیس و آئین‌نامه اجرایی آن در تاریخ نهم مهرماه همان
سال با چهل ماده تصویب شد. در سال ۱۳۵۲ با توجه به تحولاتی که در گذشته صورت گرفته بود قانون
مجازات عمومی اصلاح و تکمیل شده و با دوپست‌ونود ماده به تصویب رسید. در این قانون اقدامات
تأمینی همراه با عنوان کیفر به صراحت و به شکل کامل تری نسبت به گذشته لحاظ شد. مواردی نظیر
۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۳۴، ۳۵، ۳۶، ۳۷، ۳۸، ۳۹، ۴۰، ۴۱، ۴۲، ۴۳، ۴۴، ۴۵، ۴۶، ۴۷، ۴۸، ۴۹، ۵۰، ۵۱، ۵۲، ۵۳، ۵۴، ۵۵، ۵۶، ۵۷، ۵۸، ۵۹، ۶۰، ۶۱، ۶۲، ۶۳، ۶۴، ۶۵، ۶۶، ۶۷، ۶۸، ۶۹، ۷۰، ۷۱، ۷۲، ۷۳، ۷۴، ۷۵، ۷۶، ۷۷، ۷۸، ۷۹، ۸۰، ۸۱، ۸۲، ۸۳، ۸۴، ۸۵، ۸۶، ۸۷، ۸۸، ۸۹، ۹۰، ۹۱، ۹۲، ۹۳، ۹۴، ۹۵، ۹۶، ۹۷، ۹۸، ۹۹، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۳۵، ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۴۲، ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۴۷، ۱۴۸، ۱۴۹، ۱۵۰، ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۵۳، ۱۵۴، ۱۵۵، ۱۵۶، ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۵۹، ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۶۴، ۱۶۵، ۱۶۶، ۱۶۷، ۱۶۸، ۱۶۹، ۱۷۰، ۱۷۱، ۱۷۲، ۱۷۳، ۱۷۴، ۱۷۵، ۱۷۶، ۱۷۷، ۱۷۸، ۱۷۹، ۱۸۰، ۱۸۱، ۱۸۲، ۱۸۳، ۱۸۴، ۱۸۵، ۱۸۶، ۱۸۷، ۱۸۸، ۱۸۹، ۱۹۰، ۱۹۱، ۱۹۲، ۱۹۳، ۱۹۴، ۱۹۵، ۱۹۶، ۱۹۷، ۱۹۸، ۱۹۹، ۲۰۰، ۲۰۱، ۲۰۲، ۲۰۳، ۲۰۴، ۲۰۵، ۲۰۶، ۲۰۷، ۲۰۸، ۲۰۹، ۲۱۰، ۲۱۱، ۲۱۲، ۲۱۳، ۲۱۴، ۲۱۵، ۲۱۶، ۲۱۷، ۲۱۸، ۲۱۹، ۲۲۰، ۲۲۱، ۲۲۲، ۲۲۳، ۲۲۴، ۲۲۵، ۲۲۶، ۲۲۷، ۲۲۸، ۲۲۹، ۲۳۰، ۲۳۱، ۲۳۲، ۲۳۳، ۲۳۴، ۲۳۵، ۲۳۶، ۲۳۷، ۲۳۸، ۲۳۹، ۲۴۰، ۲۴۱، ۲۴۲، ۲۴۳، ۲۴۴، ۲۴۵، ۲۴۶، ۲۴۷، ۲۴۸، ۲۴۹، ۲۵۰، ۲۵۱، ۲۵۲، ۲۵۳، ۲۵۴، ۲۵۵، ۲۵۶، ۲۵۷، ۲۵۸، ۲۵۹، ۲۶۰، ۲۶۱، ۲۶۲، ۲۶۳، ۲۶۴، ۲۶۵، ۲۶۶، ۲۶۷، ۲۶۸، ۲۶۹، ۲۷۰، ۲۷۱، ۲۷۲، ۲۷۳، ۲۷۴، ۲۷۵، ۲۷۶، ۲۷۷، ۲۷۸، ۲۷۹، ۲۸۰، ۲۸۱، ۲۸۲، ۲۸۳، ۲۸۴، ۲۸۵، ۲۸۶، ۲۸۷، ۲۸۸، ۲۸۹، ۲۹۰، ۲۹۱، ۲۹۲، ۲۹۳، ۲۹۴، ۲۹۵، ۲۹۶، ۲۹۷، ۲۹۸، ۲۹۹، ۳۰۰، ۳۰۱، ۳۰۲، ۳۰۳، ۳۰۴، ۳۰۵، ۳۰۶، ۳۰۷، ۳۰۸، ۳۰۹، ۳۱۰، ۳۱۱، ۳۱۲، ۳۱۳، ۳۱۴، ۳۱۵، ۳۱۶، ۳۱۷، ۳۱۸، ۳۱۹، ۳۲۰، ۳۲۱، ۳۲۲، ۳۲۳، ۳۲۴، ۳۲۵، ۳۲۶، ۳۲۷، ۳۲۸، ۳۲۹، ۳۳۰، ۳۳۱، ۳۳۲، ۳۳۳، ۳۳۴، ۳۳۵، ۳۳۶، ۳۳۷، ۳۳۸، ۳۳۹، ۳۴۰، ۳۴۱، ۳۴۲، ۳۴۳، ۳۴۴، ۳۴۵، ۳۴۶، ۳۴۷، ۳۴۸، ۳۴۹، ۳۵۰، ۳۵۱، ۳۵۲، ۳۵۳، ۳۵۴، ۳۵۵، ۳۵۶، ۳۵۷، ۳۵۸، ۳۵۹، ۳۶۰، ۳۶۱، ۳۶۲، ۳۶۳، ۳۶۴، ۳۶۵، ۳۶۶، ۳۶۷، ۳۶۸، ۳۶۹، ۳۷۰، ۳۷۱، ۳۷۲، ۳۷۳، ۳۷۴، ۳۷۵، ۳۷۶، ۳۷۷، ۳۷۸، ۳۷۹، ۳۸۰، ۳۸۱، ۳۸۲، ۳۸۳، ۳۸۴، ۳۸۵، ۳۸۶، ۳۸۷، ۳۸۸، ۳۸۹، ۳۹۰، ۳۹۱، ۳۹۲، ۳۹۳، ۳۹۴، ۳۹۵، ۳۹۶، ۳۹۷، ۳۹۸، ۳۹۹، ۴۰۰، ۴۰۱، ۴۰۲، ۴۰۳، ۴۰۴، ۴۰۵، ۴۰۶، ۴۰۷، ۴۰۸، ۴۰۹، ۴۱۰، ۴۱۱، ۴۱۲، ۴۱۳، ۴۱۴، ۴۱۵، ۴۱۶، ۴۱۷، ۴۱۸، ۴۱۹، ۴۲۰، ۴۲۱، ۴۲۲، ۴۲۳، ۴۲۴، ۴۲۵، ۴۲۶، ۴۲۷، ۴۲۸، ۴۲۹، ۴۳۰، ۴۳۱، ۴۳۲، ۴۳۳، ۴۳۴، ۴۳۵، ۴۳۶، ۴۳۷، ۴۳۸، ۴۳۹، ۴۴۰، ۴۴۱، ۴۴۲، ۴۴۳، ۴۴۴، ۴۴۵، ۴۴۶، ۴۴۷، ۴۴۸، ۴۴۹، ۴۵۰، ۴۵۱، ۴۵۲، ۴۵۳، ۴۵۴، ۴۵۵، ۴۵۶، ۴۵۷، ۴۵۸، ۴۵۹، ۴۶۰، ۴۶۱، ۴۶۲، ۴۶۳، ۴۶۴، ۴۶۵، ۴۶۶، ۴۶۷، ۴۶۸، ۴۶۹، ۴۷۰، ۴۷۱، ۴۷۲، ۴۷۳، ۴۷۴، ۴۷۵، ۴۷۶، ۴۷۷، ۴۷۸، ۴۷۹، ۴۸۰، ۴۸۱، ۴۸۲، ۴۸۳، ۴۸۴، ۴۸۵، ۴۸۶، ۴۸۷، ۴۸۸، ۴۸۹، ۴۹۰، ۴۹۱، ۴۹۲، ۴۹۳، ۴۹۴، ۴۹۵، ۴۹۶، ۴۹۷، ۴۹۸، ۴۹۹، ۵۰۰، ۵۰۱، ۵۰۲، ۵۰۳، ۵۰۴، ۵۰۵، ۵۰۶، ۵۰۷، ۵۰۸، ۵۰۹، ۵۱۰، ۵۱۱، ۵۱۲، ۵۱۳، ۵۱۴، ۵۱۵، ۵۱۶، ۵۱۷، ۵۱۸، ۵۱۹، ۵۲۰، ۵۲۱، ۵۲۲، ۵۲۳، ۵۲۴، ۵۲۵، ۵۲۶، ۵۲۷، ۵۲۸، ۵۲۹، ۵۳۰، ۵۳۱، ۵۳۲، ۵۳۳، ۵۳۴، ۵۳۵، ۵۳۶، ۵۳۷، ۵۳۸، ۵۳۹، ۵۴۰، ۵۴۱، ۵۴۲، ۵۴۳، ۵۴۴، ۵۴۵، ۵۴۶، ۵۴۷، ۵۴۸، ۵۴۹، ۵۵۰، ۵۵۱، ۵۵۲، ۵۵۳، ۵۵۴، ۵۵۵، ۵۵۶، ۵۵۷، ۵۵۸، ۵۵۹، ۵۶۰، ۵۶۱، ۵۶۲، ۵۶۳، ۵۶۴، ۵۶۵، ۵۶۶، ۵۶۷، ۵۶۸، ۵۶۹، ۵۷۰، ۵۷۱، ۵۷۲، ۵۷۳، ۵۷۴، ۵۷۵، ۵۷۶، ۵۷۷، ۵۷۸، ۵۷۹، ۵۸۰، ۵۸۱، ۵۸۲، ۵۸۳، ۵۸۴، ۵۸۵، ۵۸۶، ۵۸۷، ۵۸۸، ۵۸۹، ۵۹۰، ۵۹۱، ۵۹۲، ۵۹۳، ۵۹۴، ۵۹۵، ۵۹۶، ۵۹۷، ۵۹۸، ۵۹۹، ۶۰۰، ۶۰۱، ۶۰۲، ۶۰۳، ۶۰۴، ۶۰۵، ۶۰۶، ۶۰۷، ۶۰۸، ۶۰۹، ۶۱۰، ۶۱۱، ۶۱۲، ۶۱۳، ۶۱۴، ۶۱۵، ۶۱۶، ۶۱۷، ۶۱۸، ۶۱۹، ۶۲۰، ۶۲۱، ۶۲۲، ۶۲۳، ۶۲۴، ۶۲۵، ۶۲۶، ۶۲۷، ۶۲۸، ۶۲۹، ۶۳۰، ۶۳۱، ۶۳۲، ۶۳۳، ۶۳۴، ۶۳۵، ۶۳۶، ۶۳۷، ۶۳۸، ۶۳۹، ۶۴۰، ۶۴۱، ۶۴۲، ۶۴۳، ۶۴۴، ۶۴۵، ۶۴۶، ۶۴۷، ۶۴۸، ۶۴۹، ۶۵۰، ۶۵۱، ۶۵۲، ۶۵۳، ۶۵۴، ۶۵۵، ۶۵۶، ۶۵۷، ۶۵۸، ۶۵۹، ۶۶۰، ۶۶۱، ۶۶۲، ۶۶۳، ۶۶۴، ۶۶۵، ۶۶۶، ۶۶۷، ۶۶۸، ۶۶۹، ۶۷۰، ۶۷۱، ۶۷۲، ۶۷۳، ۶۷۴، ۶۷۵، ۶۷۶، ۶۷۷، ۶۷۸، ۶۷۹، ۶۸۰، ۶۸۱، ۶۸۲، ۶۸۳، ۶۸۴، ۶۸۵، ۶۸۶، ۶۸۷، ۶۸۸، ۶۸۹، ۶۹۰، ۶۹۱، ۶۹۲، ۶۹۳، ۶۹۴، ۶۹۵، ۶۹۶، ۶۹۷، ۶۹۸، ۶۹۹، ۷۰۰، ۷۰۱، ۷۰۲، ۷۰۳، ۷۰۴، ۷۰۵، ۷۰۶، ۷۰۷، ۷۰۸، ۷۰۹، ۷۱۰، ۷۱۱، ۷۱۲، ۷۱۳، ۷۱۴، ۷۱۵، ۷۱۶، ۷۱۷، ۷۱۸، ۷۱۹، ۷۲۰، ۷۲۱، ۷۲۲، ۷۲۳، ۷۲۴، ۷۲۵، ۷۲۶، ۷۲۷، ۷۲۸، ۷۲۹، ۷۳۰، ۷۳۱، ۷۳۲، ۷۳۳، ۷۳۴، ۷۳۵، ۷۳۶، ۷۳۷، ۷۳۸، ۷۳۹، ۷۴۰، ۷۴۱، ۷۴۲، ۷۴۳، ۷۴۴، ۷۴۵، ۷۴۶، ۷۴۷، ۷۴۸، ۷۴۹، ۷۵۰، ۷۵۱، ۷۵۲، ۷۵۳، ۷۵۴، ۷۵۵، ۷۵۶، ۷۵۷، ۷۵۸، ۷۵۹، ۷۶۰، ۷۶۱، ۷۶۲، ۷۶۳، ۷۶۴، ۷۶۵، ۷۶۶، ۷۶۷، ۷۶۸، ۷۶۹، ۷۷۰، ۷۷۱، ۷۷۲، ۷۷۳، ۷۷۴، ۷۷۵، ۷۷۶، ۷۷۷، ۷۷۸، ۷۷۹، ۷۸۰، ۷۸۱، ۷۸۲، ۷۸۳، ۷۸۴، ۷۸۵، ۷۸۶، ۷۸۷، ۷۸۸، ۷۸۹، ۷۹۰، ۷۹۱، ۷۹۲، ۷۹۳، ۷۹۴، ۷۹۵، ۷۹۶، ۷۹۷، ۷۹۸، ۷۹۹، ۸۰۰، ۸۰۱، ۸۰۲، ۸۰۳، ۸۰۴، ۸۰۵، ۸۰۶، ۸۰۷، ۸۰۸، ۸۰۹، ۸۱۰، ۸۱۱، ۸۱۲، ۸۱۳، ۸۱۴، ۸۱۵، ۸۱۶، ۸۱۷، ۸۱۸، ۸۱۹، ۸۲۰، ۸۲۱، ۸۲۲، ۸۲۳، ۸۲۴، ۸۲۵، ۸۲۶، ۸۲۷، ۸۲۸، ۸۲۹، ۸۳۰، ۸۳۱، ۸۳۲، ۸۳۳، ۸۳۴، ۸۳۵، ۸۳۶، ۸۳۷، ۸۳۸، ۸۳۹، ۸۴۰، ۸۴۱، ۸۴۲، ۸۴۳، ۸۴۴، ۸۴۵، ۸۴۶، ۸۴۷، ۸۴۸، ۸۴۹، ۸۵۰، ۸۵۱، ۸۵۲، ۸۵۳، ۸۵۴، ۸۵۵، ۸۵۶، ۸۵۷، ۸۵۸، ۸۵۹، ۸۶۰، ۸۶۱، ۸۶۲، ۸۶۳، ۸۶۴، ۸۶۵، ۸۶۶، ۸۶۷، ۸۶۸، ۸۶۹، ۸۷۰، ۸۷۱، ۸۷۲، ۸۷۳، ۸۷۴، ۸۷۵، ۸۷۶، ۸۷۷، ۸۷۸، ۸۷۹، ۸۸۰، ۸۸۱، ۸۸۲، ۸۸۳، ۸۸۴، ۸۸۵، ۸۸۶، ۸۸۷، ۸۸۸، ۸۸۹، ۸۹۰، ۸۹۱، ۸۹۲، ۸۹۳، ۸۹۴، ۸۹۵، ۸۹۶، ۸۹۷، ۸۹۸، ۸۹۹، ۹۰۰، ۹۰۱، ۹۰۲، ۹۰۳، ۹۰۴، ۹۰۵، ۹۰۶، ۹۰۷، ۹۰۸، ۹۰۹، ۹۱۰، ۹۱۱، ۹۱۲، ۹۱۳، ۹۱۴، ۹۱۵، ۹۱۶، ۹۱۷، ۹۱۸، ۹۱۹، ۹۲۰، ۹۲۱، ۹۲۲، ۹۲۳، ۹۲۴، ۹۲۵، ۹۲۶، ۹۲۷، ۹۲۸، ۹۲۹، ۹۳۰، ۹۳۱، ۹۳۲، ۹۳۳، ۹۳۴، ۹۳۵، ۹۳۶، ۹۳۷، ۹۳۸، ۹۳۹، ۹۴۰، ۹۴۱، ۹۴۲، ۹۴۳، ۹۴۴، ۹۴۵، ۹۴۶، ۹۴۷، ۹۴۸، ۹۴۹، ۹۵۰، ۹۵۱، ۹۵۲، ۹۵۳، ۹۵۴، ۹۵۵، ۹۵۶، ۹۵۷، ۹۵۸، ۹۵۹، ۹۶۰، ۹۶۱، ۹۶۲، ۹۶۳، ۹۶۴، ۹۶۵، ۹۶۶، ۹۶۷، ۹۶۸، ۹۶۹، ۹۷۰، ۹۷۱، ۹۷۲، ۹۷۳، ۹۷۴، ۹۷۵، ۹۷۶، ۹۷۷، ۹۷۸، ۹۷۹، ۹۸۰، ۹۸۱، ۹۸۲، ۹۸۳، ۹۸۴، ۹۸۵، ۹۸۶، ۹۸۷، ۹۸۸، ۹۸۹، ۹۹۰، ۹۹۱، ۹۹۲، ۹۹۳، ۹۹۴، ۹۹۵، ۹۹۶، ۹۹۷، ۹۹۸، ۹۹۹، ۱۰۰۰، ۱۰۰۱، ۱۰۰۲، ۱۰۰۳، ۱۰۰۴، ۱۰۰۵، ۱۰۰۶، ۱۰۰۷، ۱۰۰۸، ۱۰۰۹، ۱۰۱۰، ۱۰۱۱، ۱۰۱۲، ۱۰۱۳، ۱۰۱۴، ۱۰۱۵، ۱۰۱۶، ۱۰۱۷، ۱۰۱۸، ۱۰۱۹، ۱۰۲۰، ۱۰۲۱، ۱۰۲۲، ۱۰۲۳، ۱۰۲۴، ۱۰۲۵، ۱۰۲۶، ۱۰۲۷، ۱۰۲۸، ۱۰۲۹، ۱۰۳۰، ۱۰۳۱، ۱۰۳۲، ۱۰۳۳، ۱۰۳۴، ۱۰۳۵، ۱۰۳۶، ۱۰۳۷، ۱۰۳۸، ۱۰۳۹، ۱۰۴۰، ۱۰۴۱، ۱۰۴۲، ۱۰۴۳، ۱۰۴۴، ۱۰۴۵، ۱۰۴۶، ۱۰۴۷، ۱۰۴۸، ۱۰۴۹، ۱۰۵۰، ۱۰۵۱، ۱۰۵۲، ۱۰۵۳، ۱۰۵۴، ۱۰۵۵، ۱۰۵۶، ۱۰۵۷، ۱۰۵۸، ۱۰۵۹، ۱۰۶۰، ۱۰۶۱، ۱۰۶۲، ۱۰۶۳، ۱۰۶۴، ۱۰۶۵، ۱۰۶۶، ۱۰۶۷، ۱۰۶۸، ۱۰۶۹، ۱۰۷۰، ۱۰۷۱، ۱۰۷۲، ۱۰۷۳، ۱۰۷۴، ۱۰۷۵، ۱۰۷۶، ۱۰۷۷، ۱۰۷۸، ۱۰۷۹، ۱۰۸۰، ۱۰۸۱، ۱۰۸۲، ۱۰۸۳، ۱۰۸۴، ۱۰۸۵، ۱۰۸۶، ۱۰۸۷، ۱۰۸۸، ۱۰۸۹، ۱۰۹۰، ۱۰۹۱، ۱۰۹۲، ۱۰۹۳، ۱۰۹۴، ۱۰۹۵، ۱۰۹۶، ۱۰۹۷، ۱۰۹۸، ۱۰۹۹، ۱۱۰۰، ۱۱۰۱، ۱۱۰۲، ۱۱۰۳، ۱۱۰۴، ۱۱۰۵، ۱۱۰۶، ۱۱۰۷، ۱۱۰۸، ۱۱۰۹، ۱۱۱۰، ۱۱۱۱، ۱۱۱۲، ۱۱۱۳، ۱۱۱۴، ۱۱۱۵، ۱۱۱۶، ۱۱۱۷، ۱۱۱۸، ۱۱۱۹، ۱۱۲۰، ۱۱۲۱، ۱۱۲۲، ۱۱۲۳، ۱۱۲۴، ۱۱۲۵، ۱۱۲۶، ۱۱۲۷، ۱۱۲۸، ۱۱۲۹، ۱۱۳۰، ۱۱۳۱، ۱۱۳۲، ۱۱۳۳، ۱۱۳۴، ۱۱۳۵، ۱۱۳۶، ۱۱۳۷، ۱۱۳۸، ۱۱۳۹، ۱۱۴۰، ۱۱۴۱، ۱۱۴۲، ۱۱۴۳، ۱۱۴۴، ۱۱۴۵، ۱۱۴۶، ۱۱۴۷، ۱۱۴۸، ۱۱۴۹، ۱۱۵۰، ۱۱۵۱، ۱۱۵۲، ۱۱۵۳، ۱۱۵۴، ۱۱۵۵، ۱۱۵۶، ۱۱۵۷، ۱۱۵۸، ۱۱۵۹، ۱۱۶۰، ۱۱۶۱، ۱۱۶۲، ۱۱۶۳، ۱۱۶۴، ۱۱۶۵، ۱۱۶۶، ۱۱۶۷، ۱۱۶۸، ۱۱۶۹، ۱۱۷۰، ۱۱۷۱، ۱۱۷۲، ۱۱۷۳، ۱۱۷۴، ۱۱۷۵، ۱۱۷۶، ۱۱۷۷، ۱۱۷۸، ۱۱۷۹، ۱۱۸۰، ۱۱۸۱، ۱۱۸۲، ۱۱۸۳، ۱۱۸۴، ۱۱۸۵، ۱۱۸۶، ۱۱۸۷، ۱۱۸۸، ۱۱۸۹، ۱۱۹۰، ۱۱۹۱، ۱۱۹۲، ۱۱۹۳، ۱۱۹۴، ۱۱۹۵، ۱۱۹۶، ۱۱۹۷، ۱۱۹۸، ۱۱۹۹، ۱۲۰۰، ۱۲۰۱، ۱۲۰۲، ۱۲۰۳، ۱۲۰۴، ۱۲۰۵، ۱۲۰۶، ۱۲۰۷، ۱۲۰۸، ۱۲۰۹، ۱۲۱۰، ۱۲۱۱، ۱۲۱۲، ۱۲۱۳، ۱۲۱۴، ۱۲۱۵، ۱۲۱۶، ۱۲۱۷، ۱۲۱۸، ۱۲۱۹، ۱۲۲۰، ۱۲۲۱، ۱۲۲۲، ۱۲۲۳، ۱۲۲۴، ۱۲۲۵، ۱۲۲۶، ۱۲۲۷، ۱۲۲۸، ۱۲۲۹، ۱۲۳۰، ۱۲۳۱، ۱۲۳۲، ۱۲۳۳، ۱۲۳۴، ۱۲۳۵، ۱۲۳۶، ۱۲۳۷، ۱۲۳۸، ۱۲۳۹، ۱۲۴۰، ۱۲۴۱، ۱۲۴۲، ۱۲۴۳، ۱۲۴۴، ۱۲۴۵، ۱۲۴۶، ۱۲۴۷، ۱۲۴۸، ۱۲۴۹، ۱۲۵۰، ۱۲۵۱، ۱۲۵۲، ۱۲۵۳، ۱۲۵۴، ۱۲۵۵، ۱۲۵۶، ۱۲۵۷، ۱۲۵۸، ۱۲۵۹، ۱۲۶۰، ۱۲۶۱، ۱۲۶۲، ۱۲۶۳، ۱۲۶۴، ۱۲۶۵، ۱۲۶۶، ۱۲۶۷، ۱۲۶۸، ۱۲۶۹، ۱۲۷۰، ۱۲۷۱، ۱۲۷۲، ۱۲۷۳، ۱۲۷۴، ۱۲۷۵، ۱۲۷۶، ۱۲۷۷، ۱۲۷۸، ۱۲۷۹، ۱۲۸۰، ۱۲۸۱، ۱۲۸۲، ۱۲۸۳، ۱۲۸۴، ۱۲۸۵، ۱۲۸۶، ۱۲۸۷، ۱۲۸۸، ۱۲۸۹، ۱۲۹۰، ۱۲۹۱، ۱۲۹۲، ۱۲۹۳، ۱۲۹۴، ۱۲۹۵، ۱۲۹۶، ۱۲۹۷، ۱۲۹۸، ۱۲۹۹، ۱۳۰۰، ۱۳۰۱، ۱۳۰۲، ۱۳۰۳، ۱۳۰۴، ۱۳۰۵، ۱۳۰۶، ۱۳۰۷، ۱۳۰۸، ۱۳۰۹، ۱۳۱۰، ۱۳۱۱، ۱۳۱۲، ۱۳۱۳، ۱۳۱۴، ۱۳۱۵، ۱۳۱۶، ۱۳۱۷، ۱۳۱۸، ۱۳۱۹، ۱۳۲۰، ۱۳۲۱، ۱۳۲۲، ۱۳۲۳، ۱۳۲۴، ۱۳۲۵، ۱۳۲۶، ۱۳۲۷، ۱۳۲۸، ۱۳۲۹، ۱۳۳۰، ۱۳۳۱، ۱۳۳۲، ۱۳۳۳، ۱۳۳۴، ۱۳۳۵، ۱۳۳۶، ۱۳۳۷، ۱۳۳۸، ۱۳۳۹، ۱۳۴۰، ۱۳۴۱، ۱۳۴۲، ۱۳۴۳، ۱۳۴۴، ۱۳۴۵، ۱۳۴۶، ۱۳۴۷، ۱۳۴۸، ۱۳۴۹، ۱۳۵۰، ۱۳۵۱، ۱۳۵۲، ۱۳۵۳، ۱۳۵۴، ۱۳۵۵، ۱۳۵۶، ۱۳۵۷، ۱۳۵۸، ۱۳۵۹، ۱۳۶۰، ۱۳۶۱، ۱۳۶۲، ۱۳۶۳، ۱۳۶۴، ۱۳۶۵، ۱۳۶۶، ۱۳۶۷، ۱۳۶۸، ۱۳۶۹، ۱۳۷۰، ۱۳۷۱، ۱۳۷۲، ۱۳۷۳، ۱۳۷۴، ۱۳۷۵، ۱۳۷۶، ۱۳۷۷، ۱۳۷۸، ۱۳۷۹، ۱۳۸۰، ۱۳۸۱، ۱۳۸۲، ۱۳۸۳، ۱۳۸۴، ۱۳۸۵، ۱۳۸۶، ۱۳۸۷، ۱۳۸۸، ۱

«لومبروزو» با ارائه چهره معروف و جهانی «مجرم بالفطره» تصویری از چنین بزهکادی ارائه داد^{۱۳} که مدتها موجب بحث و گفتگوی فراوان در محافل علمی گردید. بنظر می‌رسد که ساختار جدیدی از حقوق جزا ظاهر می‌شد^{۱۴} که کاملاً در مقابل مکتب کلاسیک قرار می‌گرفت: انسان مجرم از نظر اخلاقی در رفتار خود آزاد نیست ولی از نظر اجتماعی خطرناک است که باید در مورد او واکنشهای موسعی اتخاذ کرد^{۱۵} مکتب تحقیقی تولد جرم‌شناسی را نوید داد و اقدامات تأمینی نتیجه این مکتب بود.

در ایران در سال ۱۳۳۹ هنوز جرم‌شناسی به‌عنوان یکی از دروس مستقل در تنها دانشکده حقوق آن زمان (دانشکده حقوق دانشگاه تهران) تدریس نمی‌شد. از این حیث می‌توان قانونگذار ایران را پیشروتر از استادان حقوق جزا دانست که در سال ۱۳۳۹ قانون اقدامات تأمینی را تصویب کرد. تأثیر مکتب تحقیقی را به نحو روشن در قانون ۱۳۳۹ می‌توان دید و اصطلاحات مندرج در این قانون چون مجرم خطرناک (ماده ۱ ق.ا.ت) و حالت خطرناک (ماده ۵ همان قانون) مؤید این نظر است.

به نظر من قانون اقدامات تأمینی مصوب سال ۱۳۳۹ از جهات زیر متأثر از مکتب تحقیقی و گسترش علوم در قرن ۱۹ است که می‌توان در مورد هر یک از این جهات به تفصیل سخن گفت اما در اینجا به رئوس این جهات اشاره می‌کنم که قانونگذار وقت ایران را وادار به تبعیت از دیدگاههای تازه کرد:

۱۳. کتاب انسان جنایتکار.

14. R. MERLE et A - Vitu, Traité de droit criminal, 1984. P. 120.

15. ibid, p. 121.

۱. قبول دیدگاههای نو در حقوق جزا
۲. عقب نشینی نسبت به دیدگاههای جزمی حقوقدانان کلاسیک
۳. انعطاف در قبال داده‌های علمی
۴. توجه به شخص مجرم به عنوان محور مطالعات بخصوص به تکرار کنندگان جرم
۵. پذیرش بنیادهایی غیر از مجازات
۶. ایجاد مؤسسات بیشتر درمانی تا تنبیهی
۷. توجه به پیشگیری از جرم
۸. دقت در حقوق زیان دیدگان از جرم

البته موارد یاد شده را نباید جدا از یکدیگر و به شکل منفک بررسی کرد اینکه به اعتقاد من زنجیرهای متصل این جهات در یک ترکیب کلی به یک واقعیت ملموس می‌انجامد و آن اینکه علم و تجربه در قلمرو حقوق جزا وارد شدند و قانونگذار نمی‌توانست با علم سر ناسازگاری نشان دهد و داده‌های علمی را به سبب فراموشی اندازد زیرا علم علیرغم مخالفت‌ها راه خود را باز می‌کند بی‌آنکه سر جدال و کشمکش با آنچه که غیر علمی است داشته‌باشد.

اهمیت قانون اقدامات تأمینی را در ایران باید از چند جهت یادآوری

کرد:^{۱۶}

اول آنکه این قانون در زمینه نحوه نگارش و طبقه‌بندی مسائل قانونی تقریباً نمونه است زیرا ابتدا تعریفی از اقدامات تأمینی ارائه می‌دهد.^{۱۷} و

۱۶. مراجعه کنید به رضا نوربها، زمینه حقوق جزای عمومی، چاپ چهارم، صفحات ۵۴۰ و بعد.

آنگاه به ابزار این اقدامات که به آنها نام مؤسسات اقدامات تأمینی می‌دهد می‌پردازد^{۱۸} و سپس در یک طبقه بندی نسبتاً دقیق انواع این اقدامات را سه فصل سالب آزادی، محدود کننده آزادی و مالی و غیره مطرح می‌نماید.^{۱۹}

دوم آنکه قانون اقدامات تأمینی صرفاً در مورد مجرمین و بخصوص تکرار کنندگان جرم تهیه شده و اصل قانونی بودن این اقدامات مورد توجه قرار گرفته است. لذا هیچ فردی را نمی‌توان تحت این اقدامات قرار داد مگر آنکه قبلاً جرمی انجام داده باشد و در مظان تکرار جرم در آینده قرار گیرد و به اصطلاح قانون مجرمی که تحت این اقدامات قرار می‌گیرد باید مجرم خطرناک باشد که شرایط این بزهکار را نیز قانون مشخص می‌کند.^{۲۰}

سوم آنکه قانونگذار در مورد هر گروه از مجرمین خطرناک با توجه به شرایط آنها و نحوه برخورد با ایشان مؤسساتی را پیش‌بینی کرده که نحوه نگاهداری و شرایط آن را نیز مشخص ساخته است.^{۲۱}

چهارم آنکه اهمیت این اقدامات آنچنان است که قانونگذار دولت را مکلف کرده که حداکثر ظرف پنج سال از تاریخ اجرای قانون اقدام به ایجاد مؤسسات اقدامات تأمینی بنماید.^{۲۲}

پنجم آنکه این قانون با توجه به قوانین حاکم که علی‌الاصول قوانین عرفی هستند تدوین شده و با این قوانین تطبیق گردیده است.

۱۷. ماده ۱ قانون اقدامات تأمینی.

۱۸. ماده ۲ همان قانون.

۱۹. مواد ۳ به بعد همان قانون.

۲۰. ماده ۱ همان قانون.

۲۱. رضا نوربها، همان صفحات ۵۴۳ به بعد.

۲۲. ماده ۲ قانون اقدامات تأمینی.

ششم آنکه قانون اقدامات تأمینی از ویژگی خاص خود که نا معین بودن مدت است در موارد زیادی برخوردار می‌باشد. متأسفانه و علیرغم اهمیت این قانون باید گفت که در رژیم گذشته دقت در اجرای آن معمول نگردید. مؤسسات مقید در قانون^{۳۳} یا تشکیل نشدند و یا اگر هم ایجاد گردیدند به شکلی ناقص و محدود بودند. می‌توان به‌عنوان نمونه از موارد اجرای این قانون ایجاد کانونهای اصلاح و تربیت اطفال بزهکار را در برخی از مراکز استانها و یا ایجاد موسسات کشاورزی و صنعتی را در بعضی از زندانها به شکل محدود دید. قانون با چهره تازه خود عملاً گوشه نشین شد.

قسمت سوم

نظری به قانون اقدامات تأمینی پس از انقلاب ۲۲ بهمن ۱۳۵۷

بعد از پیروزی انقلاب و در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بر اقدامات تأمینی و تربیتی البته نه با جمله‌های صریح حاکی از این اقدامات تأکید شده‌است که ضروری است داده‌های کلی قانون اساسی را با قوانین عادی روشن کرد.

طبق بند ۱ اصل سوم قانون اساسی: ایجاد محیط مساعد برای رشد فضایل اخلاقی براساس ایمان و تقوی و مبارزه با کلیه مظاهر فساد و تباهی

۳۳. بیمارستان مجرمان مجنون و مختل‌المشاعر، تبعیدگاه، کارگاههای کشاورزی و صنعتی، مراکز معالجه معتادان، کانونهای اصلاح و تربیت.

ار تکالیف دولت است. جنبه پیشگیرنده این اصل را می‌توان نمونه روشنی از اقدامات تأمینی در مفهوم عام دانست.

طبق اصل هشتم: در جمهوری اسلامی ایران دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر وظیفه‌ای است همگانی و متقابل بر عهده مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت.

اما نمونه روشن‌تر اقدامات تأمینی در مفهوم عام را می‌توان در بند ۵ اصل یکصد و پنجاه و ششم دانست که در زمره وظایف قوه قضاییه «اقدامات مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین» را با صراحت عنوان کرده است که بنظر می‌رسد این بند در صورت تدوین قوانین مناسب با آن می‌تواند جایگاه ویژه‌ای را برای اقدامات تأمینی ایجاد کند.

اما در زمینه قانون اقدامات تأمینی مصوب ۱۲ اردیبهشت ماه ۱۳۳۹ و برخورد با این قانون باید گفت غربت این قانون پس از انقلاب چشمگیرتر شد، بخصوص که ماده ۲ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ نیز با حذف اقدامات تأمینی و تربیتی از تعریف جرم^{۲۴} عملاً این اقدامات را از قدرت و کارآیی خود انداخت هرچند در مواد گوناگون به اقدامات تأمینی و تربیتی اشاره کرده است.^{۲۵}

البته از دیدگاه نظری، تغییرات فراوان در دهه‌های اخیر در زمینه علوم جرم‌شناختی نمی‌توانست مؤید قانونی کهنه شود که نیاز به دگرگونی در آن فراوان احساس می‌شد و می‌شود ولی نه این نکته بلکه ورود قوانین

۲۴. طبق ماده ۲ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰: هر فعل یا ترک فعلی که در قانون برای آن مجازات تعیین شده باشد جرم محسوب می‌شود.

۲۵. طبق همین ماده همان قانون: قانون مجازات اسلامی راجع است به تعیین و انواع جرایم و مجازات و اقدامات تأمینی و تربیتی که درباره مجرم اعمال می‌شود.

شرعی در قوانین جزایی ایران تطبیق قانون اقدامات تأمینی را با قوانین موجود مشکل کرده است. بعنوان مثال طبقه‌بندی جرایم از حیث شدت مجازاتها در قوانین عرفی که به موجب آن مجازاتها به جنایت، جنحه و خلاف تقسیم می‌شوند جایگاهی در قوانین فعلی ایران ندارد و استعمال کیفرهای عرفی در قانون اقدامات تأمینی و تربیتی با قوانین موجود سازگاری نشان نمی‌دهد. برخی از عناوین مقید در قانون اقدامات تأمینی چون تکرار جرم، آزادی مشروط، مجرمین نیمه مسؤول و مانند آنها با تغییر قوانین دچار نابسامانی و تردید قرار گرفته‌اند. اصل بر اجرای مجازات در قوانین فعلی با تأکید بر عدم اجرای اقدامات تأمینی در مواردی قانون اقدامات تأمینی را مجبورتر و درمانده‌تر کرده‌است و لذا باید گفت گرچه قانون اقدامات تأمینی از نظر قانونی منسوخ نشده اما عملاً اجرای آن به شکل فعلی امکان ندارد و اگر دیده می‌شود گاهیگاهی به این قانون متروک گوشه چشمی نشان داده می‌شود (به عنوان مثال در زمینه توقیف مطبوعات) یا به دلیل ناآشنایی برخی از دادگاهها به مفهوم اقدامات تأمینی است و یا شتابزدگی آنها در تطبیق موارد با قانون و منطق مقنن در تدوین آن. مؤسسات وابسته به این قانون همچنان بلا تکلیف باقی مانده‌اند. با وجود این، ایجاد مراکز خدمات بعد از خروج پس از انقلاب و طبق آئین‌نامه امور زندانها را می‌توان گامی مثبت تلقی کرد.

سؤالی که باقی می‌ماند این است که با توجه به متروک ماندن قانون اقدامات تأمینی و تربیتی، برخورد قانون مجازات اسلامی با این اقدامات چگونه است؟

در پاسخ باید گفت، نظر به اینکه ماده ۱ قانون مجازات اسلامی عنوان کرده که «قانون مجازات راجع است به تعیین انواع جرایم و مجازات و اقدامات تأمینی» پس لزوماً مقنن اقدامات تأمینی را پذیرفته اما با عنایت به ماده ۲ همین قانون که جرم را فعل یا ترک فعل مستلزم مجازات می‌داند می‌توان گفت که مقنن ایران اقدامات تأمینی را در قبال انجام جرم نپذیرفته اما مستقلاً آن را مورد پذیرش قرار داده است به عبارت دیگر اصل قانونی بودن اقدامات تأمینی طبق ماده ۱ مورد قبول قرار گرفته اما امکان اعمال این اقدامات بدون ارتکاب جرم نیز متصور است. این مسأله ما را دچار تردید می‌کند که چگونه ممکن است بدون ارتکاب جرم بتوان اقدامات تأمینی را بر افراد بار کرد. مگر اینکه بپذیریم مقنن در برخی موارد اصولاً عمل مرتکب را که ظاهراً جرم است از دایره جرم خارج کرده و برای آن صرفاً اقدامات تأمینی و تربیتی منظور نموده‌است. بعنوان مثال در مورد مجنون یا صغیر که می‌توان گفت مقنن فرض وجود جرم را از ناحیه ایشان منتفی دانسته است زیرا چه در مورد دیوانه و چه کودک امکان اعمال اقدامات تأمینی را پیش‌بینی نموده‌است و چون برای دیوانه و کودک مجازاتی متصور نیست پس صدور حکم اقدامات تأمینی جایز است. پذیرش این استدلال گرچه اشکالات را محدود می‌کند اما آنها را از بین نمی‌برد زیرا از طرفی عنوان فصل اول باب دوم قانون مجازات چنین است: «مجازات‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی» که در این فصل آنچه می‌تواند به عنوان اقدامات تأمینی مطرح گردد مواد ۲۰ و ۲۱ است که علی‌القاعده تحت عنوان مجازات‌های تنمیمی عنوان می‌گردند و نه اقدامات تأمینی و تربیتی که در عنوان فصل ذکر شده و چون مجازات‌های تنمیمی حتماً در قبال انجام

جرم هستند پس نمی‌توان بر این مجازات‌ها عنوان اقدامات تأمینی بار کرد. از طرف دیگر عده‌ای مجازات‌های بازدارنده موضوع ماده ۱۷ قانون مجازات را، نوعی اقدامات تأمینی و تربیتی می‌دانند که این مسأله نیز با عنوان مجازت‌های بازدارنده و طبقه بندی این کیفرها در زمره ۵ کیفر اصلی قانون مجازات اسلامی همخوانی ندارد.^{۲۶}

با توجه به این مسائل باید گفت عزلت قانون اقدامات تأمینی و تربیتی مصوب سال ۱۳۳۹ از طرفی و عدم پاسخگویی صریح مقنن اسلامی به این اقدامات در مجموعه قوانین جزایی از طرف دیگر موجب ابهام اقدامات تأمینی در ایران شده است و این بنیاد اصلاحی و درمانی را سخت دستخوش آسیب و لطمه قرار داده که قانونگذار باید چاره جویی کند و قانونی مناسب، دقیق و بر مبنای نیازهای جامعه تدوین نماید.

نتیجه‌گیری

قوانین جزایی چون دیگر قوانین در محل نقد، تجربه و بررسی باید با تحولات زمان همراه باشند. ایستایی یک قانون با پویایی جامعه همخوانی ندارد. قانون اقدامات تأمینی و تربیتی مصوب ۱۲ اردیبهشت ۱۳۳۹

۲۶. عنوان مجازات‌های بازدارنده اولین بار در قانون تشکیل دادگاههای کیفری (۱) و (۲) مطرح گردید ولی تعریفی از آن ارائه نشد، بعداً در ماده ۱۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ قانونگذار به تعریف این مجازات پرداخت. طبق این ماده: «مجازات بازدارنده تأدیب یا عقوبتی است که از طرف حکومت بمنظور حفظ نظم و مراعات مصلحت اجتماع در قبال تخلف از مقررات و نظامات حکومتی تعیین می‌گردد از قبیل حبس، جزای نقدی، تعطیل محل کسب، لغو پروانه و محرومیت از حقوق اجتماعی و اقامت در نقطه یا نقاط معین و منع از اقامت در نقطه یا نقاط معین و مانند آن».

با توجه به این تعریف مجازات بازدارنده از جهات مختلف از اقدامات تأمینی چه از نظر ویژگیها و چه اهداف و تبعات تفکیک می‌شود.

علیرغم امتیازات بسیار، بوی کهنگی گرفته و گوشه‌نشین شده لذا لزوم نو ساختن آن بیش از پیش احساس می‌شود بی‌آنکه بتوان از امتیازات آن غافل بود. می‌توان با دقت در شکل و قالب این قانون و توجه به علوم جدید به تدوین قانونی نو پرداخت که پاسخگوی مشکلات و نیازهای جامعه باشد. از تحولات نه می‌توان گریخت و نه می‌توان بدانها بی‌تفاوت بود، که در چنین صورتی سیل تخیلات واقعیات را با خود خواهد برد و چیزی که برجا خواهد ماند تأسف است و تأثر.